



قدردان پاچه‌خار

علی لادن

کاریکاتورست



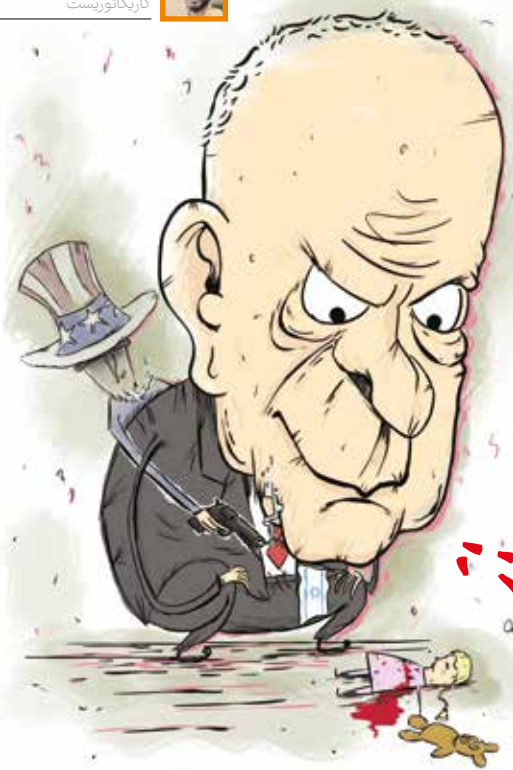
فائزه اکبری

طنزپرداز



این داستان را ترجمه و سپس تایپ و تکثیر کرده، آن قدری کلاغ نشده که نداند برو رویی برای تمجید و قدردانی ندارد که صهیونیست‌ها قاپش را بدزدند. ناسلامتی خودش سال‌هاست با همین ترفند، قطره‌قطره‌ی شیرهای عربستان را دوشیده و نوشیده و یک تی‌تاپ هم رویش. اما مجیز شنیدن، احساس شیرینی مثل مکیدن چهارانگشت پفکی به آدم می‌دهد؛ برای همین آمریکا هم برای اینکه بیشتر این تمجیدها را بشنود، هی بیشتر اسلحه و موشک و مهمات می‌فرستد اسرائیل، اسرائیل هم هی بیشتر قدردان آمریکا می‌شود و این چرخه ادامه دارد تا بلکه میکرونی، چک، گواتمالا، لیبیا، نائورو، پاپوآ و گینه‌نو هم عطش مجیزشنیدنشان بخوابد و به قطعنامه ضد صهیونیستی رأی منفی ندهند و پایان بخش این بازی کثیف شوند.

قدردان بودن از آن خصیصه‌های خوب انسانی است که در وجود حیوانات هم نهادینه شده‌است. حتما پیش آمده برای سگی استخوانی پرت کرده و تکان دادن دُمش به‌عنوان تشکر را دیده باشید. اما نکته مهم، مرز باریک بین قدردان بودن و چاپلوسی است. در بسیاری از مواقع، این دو در هم ممزوج شده و اصطلاحی تحت عنوان پاچه‌خاری را خلق می‌کنند. ترفندی برای بهره‌کشی از طرف مقابل، که داستان کلاغ و قالب پنیر را از روی این خصلت شناسنامه شده رژیم صهیونیستی نوشته‌اند. به عبارتی این رژیم هر جا که احساس می‌نماید کفگیر به ته دیگ خورده، طی پروژه «غلومتیم، خاک پاتیم خاک‌انداز بیار جمع‌مون کن، زغال قلیونتیم بکش خاکستر بشیم» سعی در تامین هزینه‌های خود می‌کند، از چه کسی؟ خب معلوم است، از آمریکای مادرخرج. از آن طرف آمریکا هم که خودش



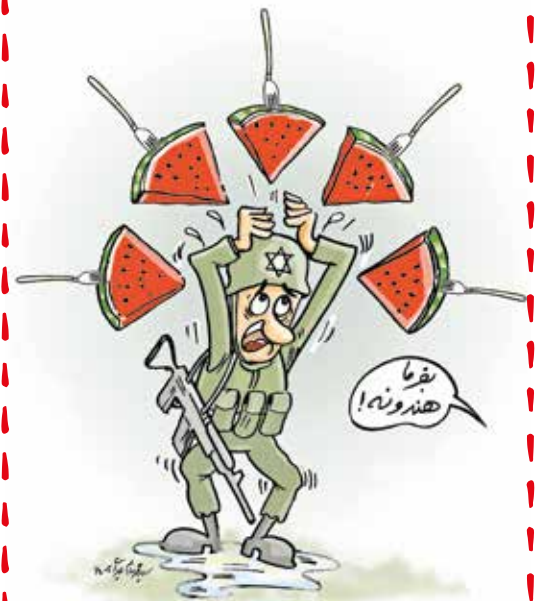
وزیر جنگ رژیم صهیونیستی: قدردان ح

مهدی یوسفی

کاریکاتورست



صدای طبل رسوایی
آمریکا، باوتوی مجدد
قطعنامه شورای
امنیت برای آتش‌بس
در غزه، بار دیگر
طنین انداز شد.



سیدمحمد سالم

کاریکاتورست

